

خم گشته است قد پدرها دو تا دو تا

۴ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۱۲

برای رد شدن از سیم خاردار باید یک نفر روی سیم خاردار می خوابید تا بقیه از روش رد بشند و طلب زیاد بود. قرعه انداختند، افتاد بنام یک جوان همه اعتراض کردند الا یک پیرمرد. گفت: چکار دارید بنامش افتاده دیگه. عجب پیرمرد سنگدلی... دوباره قرعه انداختند، بازم افتاد بنام همون جوان. جوان بدون درنگ خودش رو انداخت روی سیم خاردار. در دلها غوغائی شد...



برای رد شدن از سیم خاردار باید یک نفر روی سیم خاردار می خوابید تا بقیه از روش رد بشند و طلب زیاد بود. قرعه انداختند، افتاد بنام یک جوان همه اعتراض کردند الا یک پیرمرد. گفت: چکار دارید بنامش افتاده دیگه. عجب پیرمرد سنگدلی... دوباره قرعه انداختند، بازم افتاد بنام همون جوان. جوان بدون درنگ خودش رو انداخت روی سیم خاردار. در دلها غوغائی شد... بچه ها گریان و با اکراه شروع کردند به رد شدن از روی بدن جوان همه رفتند الا پیرمرد. گفتند بیا! گفتنه شما برید من باید بدن پسر رو ببرم برای مادرش.

اینجاست که شاعر می گه :

خم گشته است قد پدرها دو تا دوتا

وقتی که می رسند پسرها یکی یکی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۳۴۴/دو-پدرها-قد-گشته-خم>